روند شاخص‌هاي اجتماعي ايران

مسعود صوفي مجيدپور*

اولين گزارش ملي توسعة انساني ايران (سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور، 1378) تصويري دلگرم‌كننده از وضعيت نيروي انساني و برخي شاخص‌هاي ضمني اجتماعي ارائه مي‌كند. اما به نظر مي رسد كه با گسترش دامنة تعاريف و كاربرد شاخص هاي جديد، اين تصوير چندان دلگرم‌كننده نباشد. بي‌ترديد ارزيابي دقيق ويژگي هاي انساني و پتانسيل هاي اجتماعي جامعه بر تعريف جامعه و زيرمجموعه‌هاي آن، غايت زندگي اجتماعي، تعريف عملكرد نظام اجتماعي و شاخص هاي اندازه‌گيري آن مبتني است. در اين مقاله سعي شده است با استفاده از برخي شاخص هاي اجتماعي و استناد به آمار و ارقام رسمي، ابعادي ديگر از كيفيت واقعي زندگي اجتماعي ايران ارزيابي شود. هدف اين مقاله به هيچ‌وجه تشكيك در صحت و سقم آمار و ارقام رسمي و قدرت توضيح دهندگي شاخص هاي توسعة انساني نيست تا دستاوردهاي اساسي دولت يا

* كارشناس ارشد اقتصاد، عضو هيأت علمي دانشگاه آزاد واحد فيروزكوه <masoud-sofi@hotmail.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

بخش خصوصي را زير سؤال ببرد . پيام اصلي اين مقاله را بايد دعوتي به فراختر كردن دامنة شاخص‌هاي اجتماعي و تلاش در جهت ساخت شاخص‌هاي تركيبي دانست.

كليدواژه‌ها: توسعة انساني، شاخص‌هاي اجتماعي، نظام اجتماعي

مقدمه

جامعه مجموعه‌اي است مركب از سازمان‌ها، نهادها و روابطي كه رابطة بين افراد را تنظيم مي كنند. هدف از زندگي اجتماعي هرچه باشد، به هر حال رضايتمندي افراد از زندگي در جامعه اي معين ملاك و معياري قابل قبول براي اندازه گيري عملكرد آن جامعه است. از آنجا كه بخشي از اين رضايتمندي محصول امكاناتي است كه جامعه در اختيار افراد و اعضاي خود قرار مي دهد، منطقي به نظر مي‌رسد اگر مجموعة امكانات سخت افزاري و نرم افزاري در اختيار افراد را نيز يكي از ملاك هاي سنجش رضايتمندي افراد جامعه بدانيم . آن‌گاه با فرض اينكه بين ميزان رضايتمندي فردي اعضاي جامعه و عملكرد اجتماعي رابطه اي مثبت برقرار است،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مي‌توانيم امكانات در اختيار افراد را ملاكي براي ارزيابي تقريبي عملكرد اجتماعي تلقي كنيم. چنين تلقي ضمني اي از رفاه اجتماعي، بن مايه ديدگاهي نظري است كه گزارش توسعة انساني ايران براساس آن تهيه و تنظيم شده است.

پرسشي كه در اينجا مطرح مي‌شود اين است كه آيا با استفاده از ديدگاه هاي ديگري سواي اين ديدگاه تقريباً فايده گرايانه نمي‌توانيم درصدد ارزيابي عملكرد اجتماعي برآييم؟ به اين پرسش شايد بتوان اين‌گونه پاسخ داد كه به هر حال جامعه يا اجتماع بايد شرايطي را فراهم كند كه افراد و اعضاي آن بتوانند مجموعة تواناييهاي خود را از قوه به فعل تبديل كنند. از طرف ديگر، گذار از جامعه اي با افراد بالقوه توانا به جامعه اي كه افراد آن بتوانند مجموعة تواناييهاي خود را در عمل متجلي كنند نيازمند سرمايه‌گذاريهايي است عظيم، با اين هدف كه ضمن حفظ انسجام و قوام جامعه، تك تك افراد بتوانند تواناييهاي خويش را جامة فعلي ت بپوشانند و با برخورداري از حداكثر امكانات فردي و جمعي، به كار و تلاش مشغول شوند . چنين گذاري البته چندان آسان نيست، زيرا حداقل در حوزة اقتصاد هنوز اجماع قانع‌كننده‌اي وجود ندارد كه چرا و چگونه توانمندسازي تك تك افراد جامعه به توانمند شدن كل آن جامعه خواهد انجاميد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ديگر آنكه به صرف افزايش درآمد واقعي جامعه ـ و نه درآمد اسمي آن ـ نبايد انتظار داشت كه گذار اتفاق بيافتد. رشد امكانات طبيعي، اصلاح توزيع اجتماعي، طبقاتي و جنسيتيِ مجموعة امكانات مالي، فيزيكي، آموزشي و بهداشتي، برنامه ريزي براي جهت دادن به تغيير و تحولات اجتماعي و، مهم تر از همه، داشتن تعريف يا تعاريفي صحيح از جامعه، فرد، پيشرفت، وضع مطلوب يا نامطلوب و... شرطهاي لازم براي اين گذارند . اندازهگيري كيفيت اين گذار و سنجش موقعيت آن در هر لحظه از زمان نيازمند ملاكها و معيارهايي است كه ميزان كاركرد و كيفيت عملكرد اجزاي مختلف نظام اجتماعي را اندازهگيري كنند . اين ملاك ها و معيارها را شاخصهاي اجتماعي ميناميم.

1) شاخصهاي اجتماعي ايران در گزارش ملي توسعة انساني

آيا شاخصهاي اجتماعي ايران در سالهاي اخير روند صعودي نشان ميدهند يا نزولي؟ آيا تغيير محسوسي در شاخصهاي اجتماعي ايران به وجود آمده است؟ چه ارتباطي بين سياست آزادسازي اقتصادي و كاهش دخالت دولت در حوزة رفاه از يك سو و شاخص هاي اجتماعي ايران از سوي ديگر وجود دارد؟ واقعيت اين است كه، به دلايل متعددي، پاسخ دقيق به اين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

پرسش‌ها چندان آسان نيست . كمبود نظام آمار و اطلاعات، دشواري تعريف و اندازه گيري، فقدان اجماع نظري و متناقض بودن برخي شواهد با يكديگر از جمله دلايل دشواري كار است . اما به رغم اين دشواري، تلاش‌هاي زيادي براي توليد داده ها و كمّي كردن شاخص هاي اجتماعي در سال هاي اخير صورت گرفته است. يكي از برجسته‌ترين اين تلاش‌ها «اولين گزارش توسعة انساني ايران » است كه آمارهاي زيادي از روند توسعة انساني و اجتماعي ايران در دهة 1367ـ1376 (1988ـ 1998) ارائه مي‌كند (سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور، 1378).* آمارهاي اين گزارش كه با مراجعه به انبوهي از منابع داخلي و چند منبع خارجي جمع آوري و پردازش شده اند، در مجموع، تصويري دلگرم كننده و چشم اندازي روشن از روند توسعة انساني در دهة مزبور پيش روي خواننده قرار مي‌دهند.

جدول 1ـ شاخص توسعة انساني ايران

1367	1368	1369	1370	1371	1372	1373	1374	1375	1376
/642 0	/658 0	/711 0	/736 0	/767 0	/760 0	/761 0	/759 0	/762 0	/758 0

* ذكر اين نكته لازم است كه هرچند موضوع گزارش م زبور شاخص‌هاي انساني است، برخي از شاخص هاي اندازه‌گيري‌شده در آن در محاسبات مربوط به شاخص هاي اجتماعي هم به كار گرفته مي‌شوند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

براساس روش توصيه‌شدة برنامة توسعة سازمان ملل متحد (UNDP)، اجزاي شاخص توسعة انساني عبارت اند از: اميد به زندگي در بدو تولد، ميزان باسوادي بزرگسالان، نسبت تركيبي ثبت‌نام ابتدايي و متوسطه و دبيرستان، و توليد ناخالص داخلي سرانه به دلار براساس شاخص برابري قدرت خريد (PPP$)*. پس از محاسبة شاخص‌هاي مزبور، سه نماگر تركيبي اميد به زندگي، شاخص آموزش و شاخص توليد ناخالص داخلي محاسبه مي شود. شاخص توسعة انساني ميانگين غيروزني اين سه شاخص است . با نگاهي به اجزاي فوق مي‌توان دريافت كه همسو با رشد مداوم شاخص توسعة انساني ايران در دهة مزبور، رشد كلي اجزاي شاخص توسعة انساني در همان دهه (به استثناي شاخص توليد ناخالص داخلي كه در نيمة اول دهه افزايش و در نيمة دوم آن كاهش نشان مي‌دهد) مثبت بوده است . يادآوري اين نكته لازم است كه حتي شاخص ت وليد ناخالص داخلي، به رغم روند نزولي در نيمة دوم دهه، در طول دهة مزبور به طور كلي رشد كرده است.

* Purchasing Parity Power

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول 2ـ رشد اجزاي شاخص توسعة انساني ايران (1367ـ76)

شاخص	سال		ميزان كلي رشد در طول دهه (درصد)	متوسط ميزان رشد*
	1367	1376		
اميد به زندگي در بدو تولد**	۶/۶1	۶9/۵	12/82	1/3
نرخ رشد باسوادي بزرگسالان***	۵7/1	7۴/۵	30/۴7	3
نرخ تركيبي نسبت ثبت‌نام ناخالص	۶/۶۵	7۵	1۴/32	1/۴
توليد ناخالص واقعي سرانه به دلار****	3715	۵222	۵۶/۴0	۴
توليد ناخالص سرانة تعديل‌شده	3715	۵222	۵۶/۴0	۴
شاخص اميد به زندگي	0/۶10	0/7۴2	21/۶3	2/1
شاخص آموزش	0/۵99	0/7۴2	2۴/7	2/۵
شاخص توليد ناخالص داخلي	0/71۶	0/78۵	9/۶3	0/9۶
شاخص توسعة انساني	0/۶۴2	0/7۵8	18/0۶	1/8

مأخذ: «اولين گزارش ملي توسعة انساني ايران» 1378

* با فرض خطي بودن روند رشد

** به سال

*** به درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

**** براساس شاخص برابري قدرت خريد (PPP)

جدول 2 نشان مي دهد كه مجموعة اجزاي تشكيل‌دهندة شاخص توسعة انساني ايران در طول دهة 1367ـ1376 به طور كلي رشد كرده است . در اين ميان، رشد توليد ناخالص واقعي سرانه (5640)، نرخ باسوادي بزرگسالان (30/47) و شاخص آموزش (24/7) برجسته‌تر است. همان‌طور كه پيشتر گفته شد، شاخص توليد ناخالص داخلي، به رغم نوسان در نيمة دهة مورد نظر، به طور كلي رشد كرده است . تأكيد بر همسويي كلي بين شاخص توسعة انساني و توليد ناخالص سرانه در جدول ديگري نشان داده شده است.

جدول 3ـ همسويي كلي بين شاخص توسعة انساني و توليد ناخالص سرانه*

سال	1367	1368	1369	1370	1371	1372	1373	1374	1375	1376
شاخص توسعة انساني	/6420	/6580	/7110	/7360	/7670	/7600	/7610	/7590	/7620	/7580
توليد ناخالص سرانه	2505	2537	2297	3015	3147	3246	3189	3094	2996	3041
رشدسالانة توليد ناخالص	11/2-	1/3	-9/5	31/3	۴/۴	3/1	-1/8	-3	-3/2	1/5

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سرانه										
رشد متوسط تولید ناخالص سرانه	3/45									

مأخذ: «اولين گزارش ملي توسعة انساني ايران»، 1378

* ذكر اين نكته لازم است كه عنوان جدول در متن اصلي چنين است: روند تحول شاخص توسعة انساني و درآمد سرانه

پيام ضمني همخواني رشد مشهور شاخص توسعة انساني اي ران از 0/642 به 0/758 در دهة (1376_1367) با رشد متوسط 3/45 درصدي توليد ناخالص سرانه توجه دادن خواننده به ارتباط مثبت عوامل درآمدي و شاخص هاي انساني و اجتماعي است. چنين برداشتي از وجود ميان رشد اقتصادي و توسعة انساني، اولاً، متأثر از ديدگاهي است كه براساس آن بين رشد و توسعه چندان تفاوتي وجود ندارد. ثانياً، به دليل دشواري اندازه گيري متغيرهاي غيراقتصادي، به سادگي نمي توان آنها را در محاسبات مربوط به ارتباط متغيرهاي اقتصادي و غيراقتصادي وارد كرد. اما رشد متغيرهاي انساني، كه نتيجة سرمايه‌گذاري‌هاي آموزشي و بهداشتي است، تا چه حد در شاخص‌هاي اجتماعي ايران تأثير داشته است؟ بحث نظري در اين باره به سادگي امكان پذير نيست زيرا همانگونه كه پيشتر گفته شد، به فرض

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

آنكه توانايي ها و امكانات فردي تك تك افراد جامعه بهبود پيدا كرده باشد، نمي توان انتظار داشت كه به صرف سرمايه گذاري‌هاي انساني، عملكرد زندگي اجتماعي كه يك كل است نيز بي هيچ واسطه اي بهبود پيدا كند. اينكه چگونه مي توان از افراد به جامعه گذر كرد، شايد از دشوارترين پرسش هاي نظري در علوم اجتماعي باشد كه پاسخ به آن نه در حوصله اين مقاله است و نه در صلاحيت نگارنده. به همين دليل شايد بهتر باشد كه با فرض تأييد آمار و ارقام مندرج در گزارش توسعة انساني ايران (1376-1367) از زاويه ديگري به بازنگري گزارش مزبور بپردازيم. مقايسة وضعيت توسعة انساني در ايران با شاخص‌هاي جهاني مقدمه اي بر اين بازنگري است.

2) توسعة انساني ايران و مقايسه‌هاي جهاني

به نظر مي‌رسد كه مقايسة جهاني نقطة شروع مناسبي براي ارزيابي جامع تر وضعيت شاخص هاي انساني و اجتماعي ايران باشد. در عصر جهاني شدن كه پيامدهاي عيني آن ادغام اقتصادي، گسترش و نفوذ روابط و هنجارهاي فرهنگي، كمرنگتر شدن مرزهاي سياسي و لزوم تعريف مج دد نقش دولت و بالاخره آشنايي روزافزون شهروندان ساكن در يك محدودة سياسي با آنچه در محدوده هاي ديگر مي گذرد است،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

چنين مقايسه اي گريزناپذير به نظر مي رسد. براي آنكه سخن به درازا نكشد، مستقيماً به سراغ گزارش توسعة انساني سال 2002 (HDR, 2002) مي‌رويم.

براساس گزارش مزبور، در بين 173 كشور جهان، رتبة توسعة انساني ايران كه به كمك تركيبي از متغيرهاي جدول 2 اين مقاله اندازه‌گيري مي‌شود 98 است. در اين گزارش نشان داده شده است كه نروژ با شاخص توسعة انساني 0/942 در ردة اول جهان در سال 2002 و سيرالئون با شاخص توسعة انساني 0/275 در ردة آخر جهان قرار دارد. بنابراين، ايران به لحاظ شاخص توسعة انساني تقريباً در ميانة كشورهاي جهان قرار مي‌گيرد.(HDR, 2002: 149-152) نكتة ديگر درخور توجه در گزارش مزبور تفاوت رتبة توليد ناخالص سرانه (براساس شاخص برابري قدرت خريد به دلار) و رتبة شاخص توليد انساني است. اين تفاوت در مورد ايران 22- است، بدين معنا كه رتبة توليد ناخالص سرانة ايران 22 رتبه بالاتر از رتبة شاخص انساني كشورمان است. به ديگر سخن، رتبة شاخص انساني كشورمان 22 مرتبه پايين‌تر از رتبة توليد سرانة آن است. پرسشي كه مطرح مي شود اين است كه دليل اين اختلاف فاحش چيست؟ با توجه به اينكه ايران در ردة 98 توسعة انساني قرار دارد، با يك جمع و تفريق ساده مي توان نتيجه گرفت رتبة ايران از حيث توليد ناخالص سرانه در بين 173 كشور جهان 76

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

(22-98) است. تفاوت بين رتبة نروژ از حيث توليد ناخالص سرانه و شاخص توليد انساني 2+ و در مورد سيرالئون صفر است . تفاوت بين دو رتبة فوق در چند كشور در جدول ذيل نشان داده شده است.

جدول ۴ـ تفاوت رتبة شاخص‌هاي توسعة انساني و درآمد سرانه در برخي كشورها

نام كشور	تفاوت رتبه	نام كشور	تفاوت رتبه
نروژ	+2	كويت	-10
سوئد	۱۵+	امارات متحدة عربي	-19
امريكا	-۴	قطر	-۲۵
آلمان	-2	ونزوئلا	10
كره‌جنوبي	+1	آنگولا	-۳۶

مأخذ: HDR, 2002

قضاوت آماري در مورد الگوي حاكم بر اعداد و ارقام نشان‌دهندة اين اختلاف است و مهمتر از آن، نتيجه‌گيري از وجود چنين اختلافي كاري نه چندان آسان. با اين حال، تذكر ض مني گزارش توسعة انساني سال 2002 را نيز نبايد ناديده گرفت . تأكيد تهيه كنندگان اين گزارش بر محاسبة اختلاف بين رتبة شاخص‌هاي انساني و رتبة شاخص هاي درآمد يا توليد سرانة ملي حكايت از آن دارد كه به سادگي نمي‌توان و نبايد قدرت توليد ملي و درآمد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ايجاد شده از آن را معادل بهره‌مندي شهروندان هر جامعه از مجموع توانايي ها و امكاناتي دانست كه آن جامعه مي‌تواند در اختيارشان قرار دهد. اگرچه در مورد متغيرهايي مثل اميد به زندگي شايد ويژگي‌هاي قومي، نژادي و جغرافيايي مؤثر باشند، برقرار نبودن تناظر يك به يك بين توان اقتصاد و ويژگي‌هاي جامعة انساني متناظر با آن اقتصاد نشان‌دهندة آن است كه الگوي ترجمان توان اقتصادي به توان انساني خطي و ساده نيست.

3) گذر از شاخص‌هاي انساني به شاخص‌هاي اجتماعي

اگر با پرهيز از ورود به بحث هاي نظري جامعه‌شناسانه، جامعه را محلي براي تعامل افراد معرفي كنيم، آن‌گاه مي‌توانيم به كمك متغيرهايي كه خصلت فردي آنها كم تر است و بيش تر به جمع تعلق مي‌گيرند، در مورد كيفيت عملكرد اجتماعي قضاوت دقيقي داشته باشيم، براي مثال، شايد بتوان ميزان رضايت مندي نخبگان هر جامعه از زندگي در آن جامعه را به كمك آمار مهاجرت آنان تخمين زد. همچنين شايد بتوان با مراجعه به آمار طلاق، ميزان سستي يا استحكام واحد خانواده را در جامعه اندازه گرفت . همچنين آمار مربوط به شورش‌هاي شهري، اعتصابات، اعتياد و ايدز (در حكم دو متغيري كه هم خصلت فردي و هم خصلت و پيامد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اجتماعي دارند) نيز برخي ويژگي هاي اجتماعي هر جامعه را نشان مي‌دهد. كار كودكان، تعداد كودكان خياباني، اسكان غيررسمي، خشونت‌هاي خانوادگي (كه ممكن است در آمار طلاق مستتر باشند يا نباشند)، قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و دختران و نيز پايين آمدن سن فحشا و اعتياد به مواد مخدر ازجملة متغيرها و شاخص‌هايي هستند كه توجه به آنها پرسش‌هايي را در مورد ابعاد واقعي‌تر توسعة انساني در ايران برمي انگيزد. از آنجا كه متأسفانه آمار و ارقامي رسمي در مورد متغيرهاي ذكرشده وجود ندارد، براي پرهيز از هرگونه گمانه‌زني، به طرح پرسش هايي به شرح زير اكتفا مي‌كنيم:

- در سال‌هاي اخير، در نشريات، سمينارهاي علمي و گزارش هاي كارشناسي مستقل، در مورد ابعاد نگران‌كنندة برخي شاخص هاي اجتماعي ارائه شده است. با اين حال، برخي گزارش هاي رسمي، از جمله گزارش توسعة انساني ايران، تصويري مثبت از روند توسعة انساني در ايران ارائه مي كنند. آيا اصولاً مي‌توانيم روند مثبت توسعة انساني را (با فرض قبول تعاريف، روش‌ها و آمار و ارقام گزارش توسعة انساني ايران) نشانه و دليل صحت نداشتن آمار و ارقام نگران‌كننده برخي شاخص هاي اجتماعي ايران (مثل اعتياد و ايدز، فحشا، مهاجرت نخبگان،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

قاچاق زنان و دختران، ا سكان غيررسمي، و طلاق *) بدانيم؟ يا اينكه بايد به وجود دو عرصة جداگانة توسعة انساني و اجتماعي قائل باشيم؟

• گزارش مزبور تا سال 1376 را پوشش مي‌دهد. آيا پس از آن نيز روند شاخص‌هاي انساني ايران همچنان مثبت بوده است؟

• اگر فرض كنيم كه برخي متغيرهاي اجتماعي در ايران روند نزولي طي مي‌كند، آيا مي‌توان رابطه‌اي بين سير نزولي اين متغيرها و سير صعودي برخي ديگر از متغيرهاي اقتصادي و اجتماعي برقرار كرد؟

• آيا توزيع جغرافيايي امكانات اقتصادي و اجتماعي در مناطق مختلف ايران يكسان است؟ به عبارت ديگر، آيا برخي ناموزوني ها بي ن اجزاي مختلف شاخص كلي توسعه انساني (كه گاه در شاخص‌هاي اجتماعي هم تكرار مي شوند) و شاخص هاي اجتماعي به توزيع ناموزون جغرافيايي امكانات اقتصادي و اجتماعي در ايران باز نمي‌گردد؟

• توزيع فضايي شاخص هاي انساني و اجتماعي بين شهر و روستا همگن است يا ناهمگن؟

*. در مورد طلاق مسئله كمي فرق مي‌كند، زيرا آمار و ارقام رسمي در اين مورد منتشر مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

• آيا برخي از موارد ياد شده، مثل اختلافات خانوادگي، طلاق و مهاجرت نخبگان را مي توان نشانه‌اي از افت كلي وضعيت اجتماعي قلمداد كرد؟ آيا حتي اگر آمار و ارقام مستندي دربارة اين پديده‌ها وجود داشته باشد، مي توان رشد آنها را نشانة عقب‌ماندگي و توسعه‌نيافتگي اجتماعي دانست؟ يا اينكه اين پديده ها را بايد صرفاً نشانة برخي نوسانات در روند توسعة اجتماعي و نه الزاماً افت كلي آن تعبير كرد؟ پيش از پاسخ به اين سؤالات بهتر است در منطق برخي شاخص هاي متداول توسعة اجتماعي تأمل كنيم.

4) شاخص‌هاي متعارف توسعة اجتماعي

برخي شاخص هاي متعارف توسعه اجتماعي به شرح زيرند: (www.Ciesin.org)

1ـ4) ميزان باروري

تعداد متوسط فرزنداني كه هر زن در طول دوران حيات خويش زنده به دنيا مي آورد. از آنجا كه جمعيت اصلي‌ترين پاية تشكيل اجتماع است و باروري و زاد و ولد يگانه سازوكار تشكيل جمعيت است *،

* با فرض آنكه شبيه‌سازي فعلاً در مقياسي گسترده امكان‌پذير نباشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ميزان باروري مي تواند شاخصي براي اندازه گيري توان بالفعل جامعه براي توليد جمعيت باشد؛ ضمن آنكه بالا بودن اين شاخص هشداري است در اين باره كه آيا منابع طبيعي، امكانات توليدي و سازماندهي موجود اجتماعي پاسخگوي نيازهاي اين جمعيت هست يا نه.

4ـ2) ميزان مرگ و مير كودكان

تعداد نوزادانی كه در هر هزار تولد زنده قبل از رسيدن به سن يك سالگي مي ميرند. مرگ و مير كودكان مي‌تواند جريان توليد جمعيت را در سرچشمه خشك كند، پس ميزان آن مهم است.

4ـ3) اميد به زندگي در بدو تولد

تعداد سال‌هايي كه هر كودك تازه متولد شده زنده خواهد ماند اگر الگوي موجود مرگ و مير در بدو تولد آن كودك در طول زندگي او بدون تغيير باقي بماند. زادوولد و توليد جمعيت به تنهايي كفايت نمي‌كند، بلكه جريان توليد جمعيت نيز بايد پايدار باشد . اميد به زندگي در بدو تولد پايداري سازوكار توليد جمعيت را اندازه گيري مي‌كند.

4ـ4) نسبت جمعيت شهري

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

نسبت جمعيت ساكن در شهرها به كل جمعيت . به نظر مي‌رسد ذكر اين شاخص به عنوان يكي از اجزاي شاخص توسعه اجتماعي به اين ايده بازمي گردد كه شهرها محل اصلي توليد ثروت‌اند (هر چند سهم بخش كشاورزي نيز بسيار مهم است) و از امكانات بيشتري برخوردارند، كارايي توليد و مصرف در آنها بالاست و به هر حال شهر نشانة تمدن و تجدد است.

4ـ5) توليد سرانة غذا

توليد سالانة كالاهاي غذايي كه متناسب با ميزان رشد جمعيت تعديل شده باشد . اين شاخص، مواد غذايي مصرفي حيوانات و دانه هاي غذايي مورد استفاده در توليد كشاورزي را شامل نمي شود. پرواضح است كه اين شاخص نشانة توان كلي جامعه براي توليد مستقل مايحتاج خود است.

4ـ6) نيروي كار كشاورزي

نيروي كار شاغل در بخش زراعت، جنگل داري، صيد و ماهيگيري. اين شاخص، نسبت به كل نيروي كار، نشان‌دهندة سهمي است از نيروي كار كه جامعه براي توليد مواد غذايي و مايحتاج اولية خود كنار گذاشته است. اين شاخص در ارتباط با شاخص توليد سرانة غذا قابل فهم‌تر است.

4ـ7) نيروي كار زنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

نسبت نيروي كار زنان به كل نيروي كار . از آنجا كه بر طبق آموزه اي مدرن، زنان از حقوق خاص خود برخوردارند و يكي از مؤلفه هاي اين حقوق، حق كار است، نسبت نيروي كار زنان مي تواند حاكي از ميزان تحقق عملي اين آموزه باشد . در سطح عيني‌تر، از آنجا كه زنان بخش قابل توجهي از افراد جامعه را تشكيل مي دهند، نسبت نيروي كار زنان مي‌تواند نشان‌دهندة آن باشد كه جامعة مورد نظر تا چه حد توانسته بخشي از نيروي كار بالقوة خود را وارد عرصة كار و اشتغال كند.

4ـ8) ميزان ثبت‌نام ابتدايي

ميزان ثبت‌نام ناخالص در سطح ابتدايي (فارغ از اينكه سن ثبت‌نام كننده چقدر است) به كل جمعيتي كه در سن ثبت‌نام ابتدايي قرار دارند.

4ـ9) ميزان ثبت‌نام متوسطه

به شيوه اي مشابه با ثبت نام ابتدايي محاسبه مي‌شود و دانش‌آموزاني را كه در مدارس متوسطه فني و حرفه اي و مراكز تربيت معلم نيز ثبت نام كرده‌اند در بر مي‌گيرد.

در جدول زير روند تغييرات شاخص هاي فوق الذكر از سال 1367 تا سال 1380 نشان داده شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

جدول ۵ـ ميزان تغيير برخي شاخص‌هاي متداول توسعة اجتماعي ايران (80 ـ 1368)

سال / متغير	1367	1370	1375	1380	درصدتغيير (متوسط)
نرخ باروري	۵/9	۴/9	3	۲/۶	-23
نرخ مرگ‌ومير كودكان(در هر هزارتولد زنده)	۵/۶3	۵0/2	31/7	3۵	-23
اميد به زندگي در بدو تولد	۶/۶1	۶۴/7	۶9/2	۶9	۴
نسبت جمعيت شهري	۵۴/3	۵7	۶1/3	۵/۶۴	7
عرضة سرانة كالري روزانه	2۶12	3018	3۵0۵	___	1۶
نسبت نيروي كار كشاورزي	29	2۴/۵	23	21/۴	-9
نسبت نيروي كار زنان	8/9	9/۴	12/1	1۴/۵	18
نسبت ثبت‌نام ابتدايي	122/۵	133/8	119/1	___	-1
نسبت ثبت‌نام متوسطه	۵2/7	۶1/7	7۶/8	___	2

مأخذ: «اولين گزارش ملي توسعة انساني ايران»، مركز آمار ايران، بانك داده‌هاي شاخص‌هاي بانك جهاني

با توجه به اعداد و ارقام جدول ۵ مي‌توان گفت كه تغيير روند شاخص هاي متداول توسعة اجتماعي ايران به طور كلي اميدواركننده است زيرا:

الف) كاهش ميزان باروري نتيجة اجراي موفقيت‌آميز سياس تهاي مهار جمعيت است . كاهش نيزان متوسط رشد جمعيت از 2/۴6 در فاصلة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

سال‌هاي1367ـ1370 به 1/47 در فاصلة سال‌هاي 1376ـ1380 و ادامه كاهش آن به 1/5 در سال 1381 مؤيد اين ارزيابي است.

ب) كاهش ميزان مرگ و مير به ميزان 23 درصد مبين موفقيت سياست‌هاي بهداشتي در دهه‌هاي 1360 و 1370 است. افزايش اميد به زندگي در بدو تولد در تعيين اين راستا قابل تغيير است.

ج) افزايش نسبت جمعيت شهري، همسو با كاهش نسبت نيروي كار كشاورزي، حكايت از تداوم روند مهاجرت از روستا به شهر دارد . ادامة اين روند را بايد به منزلة افت كيفيت زندگي در روستا دانست.

د) كاهش نسبت ثبت نام ابتدايي، با توجه به تعريف آن، الزاماً به معناي كاهش ثبت نام كودكان در دورة سني ابتدايي در دبستان ها نيست، بلكه مي‌تواند به معناي كاهش ثبت نام دانش آموزان ابتدايي با سن بالاتر در اين مقطع باشد. تغييرات هرم سني ايران به نحوي است كه در حال حاضر ظرفيت‌هاي فيزيكي در دوران ابتدايي جوابگوي كودكان آماده ثبت‌نام در اين مقطع است . افزايش ثبت‌نام متوسطه نيز با توجه به تغييرات هرم سني جمعيت قابل توضيح است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

5) برخي زواياي ناكاويدة شاخص‌هاي اجتماعي ايران

آيا تصوير مثبتي كه جدول ۵ ارائه مي‌كند كافي است تا از ارتقاي كيفيت زندگي اجتماعي در ايران مطمئن باشيم؟ آيا به صرف اتكا بر روندهاي اميدوارکنندة جمعيتي، كار و اشتغال، تغذيه، آموزش و بهداشت مي‌توان با اطمينان قضاوت كرد كه كيفيت عملكرد نظام اجتماعي در ايران افزايش يافته است؟ پيش از پاسخ به اين پرسش بهتر است به برخي شاخص‌هاي ديگر نيز توجه كنيم:

جدول ۶ـ روند برخي نابسامانيهاي اجتماعي

سال / متغير	1373[2]	1374	1375	1376	1377	1378	1379	1380	متوسط درصد رشد[6]
پرونده‌هاي مختومه در دادگاه[1]	131۶19	727۵31	820۶77	9۶9982	1039938	11۶7۶7۵	1323۴78	1۵19113	13
پرونده‌هاي مختومة طلاق	9839	۶137۶	۶9377	91313	99۶۶2	110170	120۵38	13۴۶13	1۴
دستگيرشدگان جرايم[3]	۵18۶9	۵02۴۴	۵۵319	۵7109	۶0۵97	۵۶3۵۵	۵3097	۶20۴8	3/8
خودكشي[4]	3۴79	297۶	2818	28۶8	2797	2708	27۴9	327۵	1/9۵
انواع مواد مخدر كشفشده[5]	13۵90۶	1892۶7	1۶38۵۵	1۵۶221	139133	2027۵1	188379	11193۶	2/9

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

1ـ شامل قتل‌عمد، ايراد ضرب و جرح، اختلاس، ارتشاء و جعل، سرقت، صدور چك بلامحل
مأخذ: دادگستري جمهوري اسلامي ايران، دفتر آمار و پردازش داده‌ها (سال 1373 در محاسبه لحاظ نشده است)
2ـ آمار ارائه‌شده فقط هشت ماه آخر سال 1373 را پوشش مي‌دهد.
مأخذ: دادگستري جمهوري اسلامي ايران (سال 1373 در محاسبه لحاظ نشده است.)
3ـ مأخذ: نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران، معاونت طرح و برنامه و بودجه، ادارة آمار
4ـ مأخذ: پرونده‌هاي تشكيل شده در مورد اقدام به خودكشي در حوزة استحفاظي نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران
5ـ مأخذ: نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران (اعداد به كيلوگرم هستند.)
۶ـ با فرض ثابت بودن روند تغيير در طول دوره (فرض خطي بودن روند)

تفسير و تغيير اعداد و ارقام مندرج در جدول 6 بدون در نظر گرفتن نتايج جداول قبلي چندان حساسيت‌برانگيز نيست. به سادگي مي توان در طول سال‌هاي 1373 تا 1380 روند رشد برخي از نابسامانيهاي اجتماعي را مثبت ارزيابي كرد . چنين تفسيري البته مبتني بر غفلت از برخي تعاريف و چشم پوشيدن از ويژگي اصلي جامعه به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

مثابة يك كل است . اگر جامعه را مجموعه اي از سازمان‌ها، روابط و نهادهاي مرتبط به هم بدانيم، چگونه مي‌توانيم از وجود روندهاي متناقض در آن چشم‌پوشي كنيم يا احياناً درصدد توجيه آن روندها برآييم؟ پرسش اصلي ما اين است كه چگونه به رغم رشد مثبت همة شاخص‌هاي متداول انساني و اجتماعي، برخي از مهم ترين شاخص هاي اجتماعي نظير طلا ق كه مبين استحكام يا سستي نهاد خانواده است روند نزولي، آن هم با سرعتي نگران كننده را نشان مي‌دهد. اگر روند شاخص هاي آموزش مثبت است (جدول 2)، چرا نتيجة ارتقاي آموزش در كاهش پرونده هاي مختومه در دادگاه متجلي نمي شود؟ اگر شاخص اميد به زندگي روز به روز رو به ب هبود است، افزايش ميزان خودكشي ها را چگونه بايد توجيه كرد؟ ارتباط بين رشد درآمد سرانه و افزايش مواد مخدر كشف شده را چگونه بايد تفسير كرد؟

در پاسخ به چنين سؤالاتي مي توان نقدهاي كلي زير را مطرح كرد:

الف) سازوكارهاي اجتماعي بسيار پيچيده اند؛ بنابراين، طرح چ نين پرسش هايي كه پاسخ دقيق به آنها منوط است به برقراري ارتباط نظري بين مفاهيم نه چندان روشن كاري است عبث و بيهوده؛

ب) در محاسبة شاخص‌هاي توسعة انساني و اجتماعي و شاخص هاي نابساماني هاي اجتماعي، متغير به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

اندازة كافي در نظر گرفته نشده است . به عبارت ديگر اگر از متغيرهاي بيشتري استفاده مي شد، احتمالاً چنين همسويي هايي بين روند مثبت شاخص هاي توسعة انساني و اجتماعي از يك طرف و شاخص هاي نابسامانيهاي اج تماعي از طرف ديگر مشاهده نمي‌شد؛

ج) طول دوره هاي زماني مورد استفاده آن قدر زياد نيست كه بتوان از آن استنتاج آم اري معتبر كرد؛

د) جرم و جنايت، طلاق، اعتياد و ... جنبه‌هايي از زندگي اجتماعي اند و ميزان باروري، آموزش، ميزان مصرف كالري، نسبت شهرنشيني، نسبت كار زنان و... بخش‌هاي ديگر آن. به دليل كثرت ابعاد زندگي فردي و همچنين چند بُعدي بودن پديده اي به نام جامعه، نبايد درصدد مقايسة شاخص هاي مختلف اجتماعي برآمد. هر يك از اين شاخص ها فقط يك يا چند جنبه از جنبه هاي متكثر جامعه و زندگي اجتماعي را اندازه گيري مي كنند. سرجمع كردن (aggregation) اين جنبه ها امكان‌پذير نيست. در واقع، ناهمخواني اين شاخص‌ها فقط نشانة آن است كه برخي جنبه‌هاي اجتماعي مثبت و برخي منفي است و هيچ نتيجه‌گيري ديگري امكان‌پذير نيست.

شايد بتوان در جواب به اين نقدها پاسخهاي ذيل را مطرح كرد:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

الف) پيچيده بودن سازوكارهاي اجتماعي نبايد مانع از تلاش ما براي پيشرفت نظري در زمينة درك اين سازوكارها شود؛

ب) به نظر مي‌رسد اگر متغيرهاي بيشتري در نظر گرفته شود نيز نتيجه چندان تفاوتي نخواهد كرد. خوانندگان علاقه مند مي توانند متغيرهايي مثل شورش‌هاي شهري، اعتصابات، مهاجرت نخبگان، افسردگي جوانان و بي‌نشاطي آنان، و ترك تحصيل را در طرف نابساماني‌هاي اجتماعي و متغيرهايي همچون تعداد ورزشگاه هاي ساخته شده، سرمايه گذاري‌هاي آموزش عالي، رشد تعداد دانشجو، و رشد تعداد استاد را در طرف شاخص توسعة انساني وارد كنند. هرچند در مورد متغيرهاي نخست (شورش‌هاي شهري، اعتصابات و..) متأسفانه آمارهاي مستندي ارائه نمي‌شود، حداقل در سطح آمارهاي غير رسمي اعلام نشده از طريق اخبار روزنامه ها و حتي راديو و تلويزيون نتيجة بحث چندان تغيير نخواهد كرد؛

ج) اگرچه طول دورة زماني مورد بحث (حداكثر دورة چهارده سالة 1367_1380) به لحاظ آماري چندان مقبول نيست، بايد توجه داشت كه درون مايه اصلي بحث ما «گذار اجتماعي» است، نه «ثبات ساختارهاي اقتصادي واجتماعي». براي استخراج الگوي ساختارهاي اقتصادي و اجتماعي، به دوره هاي زماني طولاني‌تري احتياج داريم تا بتوانيم مدعاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

خود را اثبات كنيم، اما در اين بحث ما فقط به دنبال نشان دادن تغيير يا گذاري هستيم كه به‌نظر مي‌رسد با سر عتي چشمگير در ابعاد مختلف زندگي اجتماعي ايرانيان در حال وقوع است؛

د) هرچند ساختن و تعريف يك شاخص كه بتواند به نحو كلي (aggregate) مبين وضع اجتماعي باشد در سطح فعلي دانش نظري اجتماعي غيرممكن مي نمايد، اما ذكر شاخص‌هاي مختلف و توجه دادن به همسو بودن يا نبودن روند آنها الزاماً به معناي دعوت به سرجمع‌كردن شاخص ها نيست. بلكه مي تواند دعوتي باشد به دست شستن از ساده انگاري و پرهيز از دلخوش كردن خود به چند عدد و رقم ساده!

پرسش اصلي مقاله اين است كه آيا به صرف افزايش روند مصرف كالري روزانه، كاهش ميزان باروري، افزايش ميزان اشتغال زنان و متغيرهايي از اين دست مي توان گفت كه زندگي اجتماعي ايرانيان رو به بهبود است؟ پاسخ به برخي جنبه‌هاي اين پرسش چندان دشوار نيست. براي مثال، منابع غني جامعه شناسي شهري آكنده از نظريه ها، مشاهدات آماري، تحقيقات موردي و، به طور كلي، داده‌ها و اطلاعاتي است كه نشان مي دهند بين افزايش شهرنشيني و رشد جنايات و جرايم رابطة معناداري وجود دارد. اما آيا در مورد ارتباط بين تك تك شاخص هاي ديگر هم چنين مطالعات واضحي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

وجود دارد؟چگونه مي توانيم با استناد به روند دلگرم‌كنندة شاخص‌هاي انساني و اجتماعي از نخبگان بخواهيم كه از مهاجرت به خارج از كشور منصرف شوند؟ چگونه مي‌توانيم با استناد به كاهش ميزان باروري كه به معناي كاهش بار تكفل خانواده هاست از متقاضيان طلاق بخواهيم به فكر آشتي باشند؟ آيا افزايش درآمد ملي الزاماً به معناي افزايش فرصت‌هاي شغلي شرافت مندانه است؟ چنين پرسش هايي البته مبتني بر ارزش داوري‌اند، اما آيا تأكيد ضمني بر ارتباط ميان افزايش شاخص توسعة انساني و رشد توليد ناخالص سرانه متضمن هيچ گونه ارزش‌داوري نيست؟ آيا وقت آن نرسيده است كه دست از ساده انگاري در تحليل‌هاي اجتماعي برداريم؟

6) نتيجه‌گيري

شاخص‌هاي اجتماعي معيارهايي را براي اندازه گيري جنبه هاي مختلف وضعيت اجتماعي ارائه مي كنند. براساس گزارش توسعة انساني ايران از يك سو و استخراج شاخص هاي مرسوم اجتماعي از سوي ديگر، تصويري دلگرم كننده از پتانسيل هاي انساني و اجتماعي ايران به دست مي‌آيد. اما از منظري ديگر به نظر مي‌رسد كه بايد با احتياط بيشتري با روند صعودي شاخص‌هاي مرسوم برخورد كرد. چرا كه گسترش واقعياتي همچون طلاق، مهاجرت نخبگان، اعتياد،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

ايدز، جرايم و تخلفات به نگراني هايي در مورد توان اجتماعي و انسجام يكپارچگي جامعة ايراني و زيرمجموعه‌هاي آن دامن مي‌زند. آمار و ارقام مطرح شده در اين مقاله را نه بايد به معناي اثبات تام نگران‌كننده بودن وضعيت اجتماعي ايران دانست و نه به معناي كاملاً دلگرم كننده بودن آن. هدف اين مقاله، همان طور كه در چكيده آن آمده است، صرفاً دعوتي است به پرهيز از ساده انگاري در ارزيابي وضعيت اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]

منابع
Refrences

1ـ جزايري، عليرضا. (1381). **«نگاهي به وضعيت بازار مواد مخدر در ايران و ساير كشورها»**، فصلنامة *رفاه اجتماعي*. شمارة ۵.

2ـ رئيس داناء فريبرز و همكاران. (1379). ***فقر در ايران*** (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزيستي.

3ـ سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور (سازمان برنامه و بودجه سابق). (1378). **«اولين گزارش ملي توسعة انساني ايران».**

4ـ محسني تبريزي، عليرضا. (1380). **«بررسي وضعيت كودكان بي سرپرست در ايران».** فصلنامة *تأمين اجتماعي*. شمارة 9.

5ـ مركز آمار ايران. ***سالنامة آماري كشور***. سال‌هاي مختلف.

6ـ معيني، محمد رضا. (1381). **«سياست اجتماعي ـ سياست اقتصادي».** فصلنامة *گفتگو*، شمارة 35.

7- **"Human Development Report"** (HDR), 2002. UNDP. Oxford University Press.

8- **World Development Indicators**, 2002.

9- www. ciesin.org. World Bank: **Social Indicators of Development.**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-28]